

ما می‌گوییم:

۱. اینکه مرحوم آخوند راه‌حلهایی را به عنوان راه‌حل اختصاصی قائلین به اجتماع، مورد اشاره قرار دادند، محتاج تأملی است:

الف) اگر راه‌حل ارشادی بودن «نهی از عبادت در قسمت ثالث»، را به این معنی بگیریم که: «نهی از عبادت ارشاد است به اینکه «باید از کون موضع تهمت اجتناب کرد» این راه‌حل مخصوص به اجتماعی‌ها خواهد بود. چرا که در این صورت اگر چه بین «نهی از صلاة فی موضع تهمة» و «امر به صلاة» تغایری نیست ولی لازمه این نهی ارشادی، وجود نهی مولوی از کون فی موضع تهمت است و در این صورت اگر چه عنوان «کون فی موضع تهمت» و عنوان «صلاة» متغایر هستند ولی وحدت مصداقی آنها، امتناعی‌ها را به این جواب راضی نخواهد کرد.

ب) اما اگر راه‌حل ارشادی بودن «نهی از عبادت در قسم ثالث» را به این معنی بگیریم که: «نهی از عبادت در این قسم ارشاد است به اینکه بهتر است عبادت را در ضمن افراد دیگر عبادت موجود کرد»، در این صورت این راه‌حل مخصوص به اجتماعی‌ها نخواهد بود چرا که این را امتناعی‌ها هم می‌توانند بپذیرند.

این قلت: مراد مرحوم آخوند آن است که اجتماعی‌ها دو راه‌حل دارند و امتناعی‌ها ۵ راه‌حل. (اگرچه یکی از این دو راه‌حل مشترک است)

قلت: اگر مراد ایشان بیان همه راه‌حلهایی است که قائلین به اجتماع می‌توانند ارائه دهند، در این صورت باید راه‌حل‌های دیگری که برای امتناعی‌ها قائل شدند را هم برای اجتماعی‌ها مطرح می‌کردند.

۲. با توجه به آنچه گفتیم، قائلین به اجتماع در قسم ثالث، به ۹ راه‌حل می‌توانند خود را از مشکل برهانند: یک) نهی از صلاة در موضع تهمت، مجازی است و به معنای نهی از کون فی موضع تهمت است (چرا که این دو عنوان انطباق مصداقی دارند)

دو) نهی از صلاة در موضع تهمت، مجازی است و به معنای نهی از عنوان دیگری است که با آن ملازمه وجودی وجود دارد.



سه) نهی از صلاة در موضع تهمت، مجازی است و به معنای امر به عنوان دیگری است که با آن انطباق مصداقی دارد.

چهار) نهی از صلاة در موضع تهمت، مجازی است و به معنای امر به عنوان دیگری است که با آن تلازم وجودی دارد.

پنج تا هشت) نهی از صلاة در موضع تهمت، ارشاد به یکی از اوامر و نواهی ۴ فرض قبل نه) نهی در موضع تهمت، ارشادی است به فردی از صلاة که دارای حزانت (که باعث اقلیت ثواب می شود) نیست.

ما می گوییم:

\* ۱. مرحوم آخوند سپس نتایجی را بر مطالب خود مترتب می کنند:

«وقد انقدح بما ذكرناه ، إنه لا مجال أصلاً لتفسير الكراهة في العبادة بأقلية الثواب في القسم الأول

مطلقاً، وفي هذا القسم على القول بالجواز،<sup>۱</sup>»

توضیح:

۱. در قسم اول (که در آن ۴ راه حل مطرح بود، یک تا چهار) کراهت به معنای اقلیت در ثواب نیست
۲. و بنا بر قول به جواز اجتماع هم در قسم ثالث، کراهت به معنای اقلیت در ثواب نیست
۳. [اما در قسمت دوم (بنابر راه حل پنج) و در قسم سوم (بنابر امتناعی بودن و راه حل پنج) کراهت به معنای اقلیت ثواب است]

\* ۲. اما به نظر می رسد، راه حل پنج بنابر نظر اجتماعی ها هم قابل تصویر است چرا که اجتماعی ها مشکلی ندارند که بپذیرند نهی در عبادات مکروهه از نوع راه حل پنج است (البته در مورد قسم

اول چون بدل و فرد دیگری برای عبادت موجود نیست، سخن مرحوم آخوند تمام است)

اللهم الا ان يقال: مطابق نظر اجتماعی ها، دلیلی ندارد که دست از ظهور نهی در مولویت برداریم.

۱. کفایة الاصول، ص ۱۶۵



\*۳. مرحوم آخوند نتیجه دیگر سخن خود را چنین برمی شمارند:

«کما انقذح حال اجتماع الوجوب والاستحباب فيها، وأنَّ الأمر الاستحبابی يكون على نحو الإرشاد إلى أفضل الأفراد مطلقاً على نحو الحقيقة، ومولویاً اقتضائياً كذلك، وفعلياً بالعرض والمجاز فيما كان ملاكته ملازمتها لما هو مستحب، أو متحداً معه على القول بالجواز»<sup>۱</sup>

